

کدام ریا اشکال ندارد؟/ نظر آیت الله بهجت



ریا عملی نکوهش شده در اسلام است که از راه های مختلفی هم چون کردار و رفتار نمود پیدا می کند. پیامبر اکرم(ص) در حدیثی می فرماید: «عملی را که ذره ای ریا در آن باشد خدا نمی پذیرد» و این حدیث گویای بی اعتباری ریا در نزد پروردگار است.

ریا عملی نکوهش شده در اسلام است که از راه های مختلفی هم چون کردار و رفتار نمود پیدا می کند. پیامبر اکرم(ص) در حدیثی می فرماید: «عملی را که ذره ای ریا در آن باشد خدا نمی پذیرد» و این حدیث گویای بی اعتباری ریا در نزد پروردگار است.

سخنان مرحوم آیت الله بهجت درباره ریا: «ریا» را بخوانید:

"ریا در عبادات است و عبادتی که ریا دارد حرام است و بعضی گفته اند: ریا در عبادات مبطل هم هست ، در غیر عبادات ریا اشکال ندارد.

ولی خود ریا می تواند راه چاره و علاج ریا باشد. به این صورت که با تاءملات صحیح ریا را بالا ببرد! مثلاً گاهی انسان می خواهد پیش رئیس شهربانی احترامی پیدا کند و توجه او را به خودش جلب کند، پیش پاسبانی می رود و سعی می کند نظر او را جلب کند و سپس او را بین خود و رئیس شهربانی واسطه قرار دهد. در اینجا انسان خوب است با خود بگوید: این پاسبان که تنها واسطه است و اگر هم کاغذی بنویسد و وساطتی کند باز دست آخر خود رئیس شهربانی باید پای ورقه را امضا کند.

پس خوب است مستقیماً نظر خود رئیس شهربانی را جلب کنم که مقام بالاتری است و اصلاً کار خوب و عمل نیک را مثلاً به خود رئیس شهربانی نشان دهم . یعنی برای مقام بالاتر ریا کنم !

همچنین اگر انسان عاقل باشد و توجه پیدا کند که مقامی بالاتر از رئیس شهربانی (مثل وزیر، نخست وزیر و رئیس جمهور) وجود دارد، می گوید: خوب است کار خیر و عمل نیک خود را به وزیر یا به نخست وزیر و بالاخره به مقام بالاتر نشان دهم ! یعنی همیشه انسان باید ریا را برای مرتبه اقوی انجام دهد. اگر چنین باشد، در واقع می توان گفت ریا علاج ریا می شود.

بنابراین ، اگر در عبادات نیز نسبت به اقوی و بالاترین موجود یعنی خداوند ریا کنیم اشکال ندارد و علاج ریا می شود. در زمینه ریا در روایت آمده است : ((کسانی که در هنگام نماز به این سو و آن سو نگاه می کنند تا مردم آنها را تماشا کنند، به صورت حمار محشور می شوند.)) واقعاً هم همینطور است ، آیا این حماریت نیست که آدم جلو وزیر و رئیس شهربانی به پاسبان نگاه کند؟ حماریت است آقا. ولی خوششان می آید، با این حماریت ساخته ایم !

از طرفی اگر به ما حمار بگویند ناراحت می شویم و بدمان می آید! ولی باید گفت : کار شبانه روزی تو همین است چرا بدت می آید؟! لکن امان از بی سواد و بی علمی ، این بی سواد آدم را به جای مکه به ترکستان می برد، از روز اول همین بی سواد ابلیس دشمن ، آدم را بیچاره کرد. خود او هم گفت : ای خدا، همه بندگان را گمراه می کنم ((لَا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُحْلَصِينَ)). او نیز جاهل بود و با اینکه پیش از آن عابد بود، ولی علم نداشت و ناقص بود، در مورد سجده در برابر آدم علیه السلام به خدا گفت : سجده نمی کنم ، چون (خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَ خَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ)

خوب این صغرای قضیه بود. کبرای برهانش را ببین که هر کس از آتش است بالاتر و هر کس از خاک است پایین تر است ؟!

خوب باید پرسید: به چه دلیل و به چه برهانی چنین است ؟ این لباس ظاهری که ملاک نیست ، شما ببینید تناسب و زیبایی حیوانی مثل طاووس و دیگر حیوانات چه قدر است . روحانیت جنّ و ملک هم با روحانیت انسان مقایسه نمی شود، روح انسان هر چند لباس گلی به تن دارد ولی بسیار می تواند اوج بگیرد و بالاتر برود. اصلاً لباس که ملاک نیست ، آیا اینکه یکی عبا نائینی داشته باشد و دیگری عبا افغانی ، نشانه کمال و نقص است ؟ ما هم اگر بی سواد شدیم مثل ابلیس می شویم و به ضلالت می افتیم ، لازمه ضلالت هم این است که تعدی می کند، یعنی انسان گمراه و ضالّ، مضلّ و گمراه کننده نیز می گردد و می خواهد دیگران را هم مانند خود کند، پس بترسید از بی سواد .

این از بی سواد است که آن آقا می گوید: قرآن فرموده (وَ الْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ) پس معنایش این است که هیچ میزی (تفاوت و اختلاف) نیست و همه در مالکیت و در بهره وری از زمین یکسانند، او نمی داند که این ((لام)) لام عاقبت و انتفاع است ، و نمی داند باید روایاتی را نیز که مفسر آیه است ملاحظه کرد. این آدمهای بی سواد، مردم مثل خود را هم گمراه می کنند، اول با قرآن جلو می آیند ولی هدف این است که همین قرآن را از دست مردم بگیرند، کار به جایی می رسد که می گوید: قرآن را بسوزانید.

البته ما به این امر می خندیم ، ولی واقع همین است که اگر در استدلال قوی نباشیم دشمنان بر ما غالب می شوند، آنها پول خرج می کنند همین بی سوادها را با پول می خرند. و در نتیجه این بی سواد ، دین درست می کند. آن بهائی گفته است که : اصلاً در قرآن شما نیز به ((سید علی محمد باب)) اشاره شده است و همین (حم عسق) یعنی ((قائم سید علی محمد)) البته باید از چپ بخوانید!

آقا، پس ما برای تمام مطالب محتاج علم و استدلالیم و بیشتر از هر چیز به اینها محتاجیم ؛ زیرا مسئله ، مسئله دین است ، باید در مقابل این بی سوادى و جُہال وارداتى بایستیم . اینها روی افرادشان کار می کنند، لازم نیست رسوا هم بشوند زیرا این افراد بطور مخفیانه پول می گیرند.

پس ما باید علم کلام را خوب یاد بگیریم و در برابر اینها پاسخگو باشیم ، و گرنه گرگ ها ما را می خورند آنچنانکه به هضم رابع برسد!!

”